

الگوی ساختاری روابط بین روان‌پریشی، پارانوایا، خصومت و حساسیت بین فردی با باور به دنیای ناعادلانه

۳ و محمد رضا مصاحبی^۱، زهرا جوادیان محسن گل پرور

علیرغم اینکه بسیاری از انسانها به عادلانه بودن دنیایی که در آن زندگی می‌کنند، باور دارند، افرادی نیز هستند که باور چندانی به دنیای عادلانه ندارند. این گروه دوم، به جای باور به دنیای عادلانه، به دنیای ناعادلانه باور دارند. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش روان‌پریشی، پارانوایا خصومت و حساسیت بین فردی در باور به دنیای ناعادلانه بود. بدین منظور، در یک پژوهش توصیفی مبتنی بر همبستگی، 250 نفر به شیوه ی نمونه ی در دسترس انتخاب و از نظر میزان روان‌پریشی، پارانوایا، حساسیت بین فردی، خصومت و باور به دنیای ناعادلانه مورد آزمون قرار گرفتند. تحلیل رگرسیون واسطه‌ای نشان داد که طی یک مدل زنجیره‌ای چند سطحی، خصومت ابتدا باعث تقویت حساسیت بین فردی، روان‌پریشی و پارانوایا می‌شود، سپس دو متغیر حساسیت بین فردی و روان‌پریشی بصورت پاره‌ای و معنادار پارانوایا را تقویت می‌کنند و در پایان، پارانوایا زمینه را برای تقویت باور به دنیای ناعادلانه فراهم می‌سازد. باور به دنیای ناعادلانه، از طریق پارانوایا و پارانوایا نیز از طریق خصومت، حساسیت بین فردی و روان‌پریشی تغذیه می‌شوند. در این پژوهش، یک مدل از نحوه‌ی شکل‌گیری و تقویت باور به دنیای ناعادلانه بدست آمد.

واژه‌های کلیدی: باور به دنیای ناعادلانه، روان‌پریشی، پارانوایا، خصومت، حساسیت بین فردی

مقدمه

دنیایی که انسانها در آن زندگی می‌کنند، دنیایی سرشار از نظم و قاعده‌مندی است که در آن انسانهای خوب به دلیل شایستگی، تلاش و پشتکار (و نه نیک‌خواهی و خیرخواهی دنیا) به نتایج خوب و انسانهای بد، به دلیل عدم تلاش، بی‌کفایتی و ناعادلانه رفتار کردن، به فرجامی بد گرفتار خواهند شد. این ایده یا باور، همان باور زیربنایی مطرح برای نظریه‌ی باور به دنیای عادلانه^۴ است

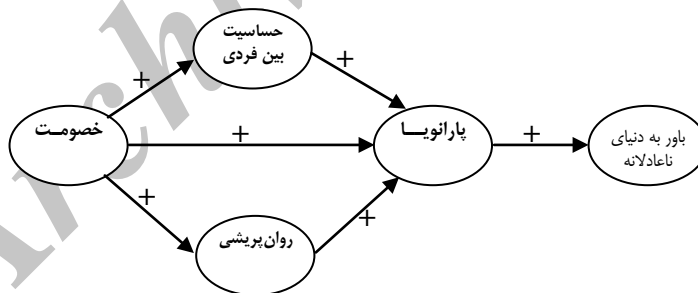
1. دپارتمان روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، اصفهان، ایران. drmgolparvar@gmail.com

2. دپارتمان روانشناسی، کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، اصفهان، ایران.

3. دپارتمان روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، اصفهان، ایران.

(فرنهام، 1985 و 1995؛ فرنهام و پروکتر، 1989؛ دالبرت، لیکاس، سالی و گوچ، 2001؛ لو، 2002؛ کریستو فر، زابل، جونز و مارک، 2008؛ مک فارلین و کنوسن، 2008؛ کالان، ویل شد و اولسون، 2009). علیرغم اینکه بسیاری از انسانها از قومیت‌ها و ملت‌های مختلف به عادلانه بودن دنیایی که در آن زندگی می‌کنند، باور دارند، اما افرادی نیز هستند که باور چندانی به دنیای عادلانه ندارند بلکه معتقدند دنیایی که در آن زندگی می‌کنند، ناعادلانه است. این گروه دوم به جای باور به دنیای عادلانه، به دنیای ناعادلانه¹ باور دارند (سجادیان و گل پرور، 2008؛ گل پرور و جوادیان، 2011). شواهد یک تا دو دهه‌ی قبل تاکنون نشان می‌دهد که باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه دو مجموعه‌ی باور مستقل و متضاد هستند (گل پرور، خاکسار و خیاطان، 2009). تحقیقات، موید پیامدهای مثبت متعدد در حوزه‌ی سلامت روان² و بهزیستی روانشناختی³ برای این باورها است (فرنهام، 2003؛ ایاتریدیس و فوزیانی، 2009).

این پژوهش، بر پایه‌ی مدل ارایه شده در شکل 1 پایه‌گذاری شده است. این مدل، یک مدل چهارسطحی است که خصومت در آن به عنوان متغیر مستقل (یا پیش‌بین)، حساسیت بین فردی و روان‌پریشی همراه با پارانوایا متغیرهای واسطه‌ای و باور به دنیای ناعادلانه به عنوان متغیر وابسته (یا پیامد) مطرح شده‌اند.



شکل 1: مدل پیشنهادی از روابط بین پارانوایا، روان‌پریشی، حساسیت و خصومت با باور به دنیای عادلانه

همانطور که در شکل 1 مشاهده می‌شود، در سطح اول، خصومت طی سه ارتباط موجب تقویت حساسیت بین فردی⁴، روان‌پریشی⁵ و پارانوایا⁶ (سوظن و بدگمانی) می‌شود. ارتباط بین خصومت و

1. Belief to an unjust world
2. Psychological health

3. Psychological well being
4. Interpersonal sensitivity

5. Psychotism
6. Paranoia

پارانویا، به لحاظ پژوهشی و نظری دارای حمایت نیرومندی است. گیلدر، گات، مه‌یو و کون (1997) در حوزه‌ی گرایش‌های شخصیتی پارانوئید، مشخصه‌های انتساب به نفس افراطی، حساسیت غیرعادی نسبت به طردها و تحقیرهای خیالی یا واقعی را همراه با خودمهم‌انگاری، ستیزه‌جویی و پرخاشگری برای این نوع افراد ذکر کرده‌اند. در حالت‌های غیربالینی، افکار پارانوئیدی، موارد قابل توجهی نظیر برون‌فکنی، سوطن، منفی‌نگری، خودمحوری و ترس از دست دادن خودمختاری و پرخاشگری را نیز در بر می‌گیرد (کلمان، 1997؛ لیندزی و پاول، 1998).

خصوصیت از لحاظ ماهیت، احساسات یا اعمالی است که وضعیت خلقی ناشی از خشم را نشان می‌دهد (ساراسون و ساراسون، 1996؛ مارنات، 1996). این وضعیت خلقی ناشی از خشم نه تنها می‌تواند باعث تقویت افکار پارانوئیدی شود بلکه به طور جدی می‌تواند از طریق ایجاد حساسیت غیرعادی در روابط بین فردی، زمینه را برای روان‌پریشی‌گرایی در افراد مختلف پدید آورد (لیندزی و پاول، 1998). زیرا در تعاملات و روابط بین فردی، وقتی افراد به دلیل خشم و خصومت، قادر به کنترل رفتارهای خود یا انجام رفتارهای اجتماعی مناسب نباشند، از یک طرف از طریق بازخوردهای اجتماعی¹، نسبت به روابط بین فردی با تکیه بر دست کم گرفتن خود و احساس عدم آرامش در جریان ارتباط با دیگران، حساس‌تر می‌شوند و از طرف دیگر، به دلیل اینکه این حساسیت همراه با گرایش‌های خصومت‌گونه و پرخاشگرانه همواره آنها را آزار می‌دهد، تمایل به روان‌پریشی‌گرایی که یکی از مشخصه‌های اصلی آن گوشه‌گیری و انزواست، تقویت می‌شود (سجادیان و گل پرور، 2009).

باور به دنیای ناعادلانه براساس بررسی‌های به عمل آمده، تمایل به رهایی از واکنش به محیط اطراف بر مبنای قواعد منصفانه و عادلانه تلقی می‌شود (فرنهام، 1985، 1995 و 2003). به زعم فرنهام (2003) باور به دنیای ناعادلانه انعکاسی از دنیای سرشار از بی‌عدالتی است که در آن بی‌گناهی مجازات می‌شود، شایستگی و تلاش پاداش داده نمی‌شود و گناه و تقصیر نیز از زیر بار مجازات و تنبیه می‌گریزد. علیرغم اینکه به رغم دل‌بختی و همکاران (2001) در مواردی ممکن است باور به دنیای ناعادلانه با شرایط و موقعیت تناسب داشته باشد (دل‌بختی و همکاران، 2001) ولی توجه به آنچه فرنهام (2003) در حوزه‌ی مطالعه‌ی باور به دنیای ناعادلانه ذکر نموده، بخوبی بار پارانوئیدی این نوع باورها را نشان می‌دهد. زیربنای پارانوئیدی باور به دنیای ناعادلانه، به ویژه

1. Social feedback

2. Hostile attributional bias

3. Vicious circle

در حالت شدید آن، از طریق مطالعاتی که نشان داده شده باور به دنیای ناعادلانه با منفی‌نگری نیز ارتباط قابل توجهی دارد، حمایت می‌شود (فرنهام و پروکتر، 1989).

شواهد پژوهشی حاکی از آن است که در حضور همزمان تمام شاخصهای وضعیت روانی (از شکایات جسمانی گرفته تا روان‌پریشی)، فقط پارانویا و در حضور ابعاد پرخاشگری (پرخاشگری بدنی تا خصومت) در درجه‌ی اول خصومت، قادر به پیش‌بینی باور به دنیای ناعادلانه است (سجادیان و گل پرور، 2009؛ گل پرور و همکاران، 2009). از این منظر افکار پارانوییدی در درجه‌ی اول باعث منفی‌نگری، بدبینی و سوظن و در پایان منجر به رفتارهایی می‌شود که از طریق سوگیری اسنادی خصمانه به وقایع و افراد تقویت می‌شود. این امر به طور جدی باعث تقویت باور به دنیای ناعادلانه که دارای همپوشی‌های محتوایی قابل توجهی با افکار پارانوییدی است، می‌شود (کلمان، 1997؛ لیندزی و پاول، 1998). تبیین نظری پیشرفته‌تر برای نقش پارانویا در باور به دنیای ناعادلانه، بر مبنای سوگیری اسنادی خصمانه به این شکل است که سوظن و خودبزرگ‌بینی کاذب، باعث پدیده‌آیی یک چرخه‌ی معیوب در روابط فرد با دنیای اطرافش می‌شود. به این شکل که فرد دارای مشکل سوظن و بدگمانی و منفی‌نگری آن گونه که باید و شاید نمی‌تواند در روابط خود با دنیای اطراف و به ویژه با انسانها، اعتماد لازم را برای تسهیل در روابط پدید آورد. در مقابل افرادی با افکار پارانوییدی، به اشکال مختلف بی‌اعتمادی را به دیگران برون‌فکنی می‌کنند، بنابراین قادر به کسب دستاوردهای روانی - اجتماعی از روابط خود با دیگران نمی‌شوند (ساراسون و ساراسون، 1996؛ مارنات، 1996؛ لیندزی و پاول، 1998).

در این پژوهش، بر پایه‌ی مدل ارائه شده در شکل 1 فرض بر آن داشتیم که در یک مدل چهارسطحی، خصومت متغیر مستقل و حساسیت بین‌فردی، روان‌پریشی و پارانویا به عنوان متغیرهای واسطه‌ای و باور به دنیای ناعادلانه به عنوان متغیر وابسته (یا پیامد) مطرح بودند. تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های این پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، مدل‌سازی معادله ساختاری و تحلیل رگرسیون واسطه‌ای و از طریق دو نرم‌افزار SPSS و AMOS انجام شده است.

روش

پژوهش حاضر، از لحاظ شیوهی گردآوری داده‌ها و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها از زمره پژوهش‌های تحلیل ماتریس کوواریانس (مدل‌سازی معادله ساختاری) محسوب می‌شود. جامعه‌ی آماری پژوهش، مردان و زنان 18 سال به بالای شهر اصفهان بودند که از این جامعه، 250 نفر به شیوه‌ی نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و با پرسشنامه‌ی سیاهه‌ی علائم SCL-90-R¹ و پرسشنامه‌ی باور به دنیای ناعادلانه مورد آزمون قرار گرفتند.

پرسشنامه‌ی سیاهه‌ی علائم (SCL-90-R) توسط دراگو تیس و همکاران ساخت و معرفی شده و یکی از پرستفاده‌ترین ابزارها برای سنجش شاخص‌های وضعیت روانی افراد در شرایط بالینی و غیربالینی محسوب می‌شود. مقیاس پاسخگویی این پرسشنامه پنج درجه‌ای (هیچ تا به شدت) است و شواهد اعتبار و پایایی آن در حد قابل قبولی گزارش شده است (سجادیان و گل پرور، 2009). استفاده از چهار خرده مقیاس این چک لیست برای سنجش متغیرهای مورد استفاده (حساسیت بین فردی، خصومت، سوءظن و بدگمانی و روان‌پریشی) به این دلیل بوده که بر مبنای پیشینه‌ی داخلی و خارجی موجود (فرنهام، 2003؛ گل پرور و همکاران، 2009؛ گل پرور و سجادیان، 2011) درون مایه‌ی باور به دنیای ناعادلانه به شدت می‌تواند تحت تاثیر این ویژگی‌ها در افراد قرار گیرد.

پرسشنامه‌ی باور به دنیای ناعادلانه توسط دالبرت و همکاران (2001) با چهار سوال برای سنجش باور به دنیای ناعادلانه معرفی شده و در یک طیف شش درجه‌ای (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) پاسخ داده می‌شود (دالبرت و همکاران، 2001). شواهد ارایه شده برای اعتبار و پایایی این ابزار در ایران، به ویژه در حوزه‌ی اعتبار، حاکی از شرایط به نسبت مطلوب آن است ولی به دلیل کم بودن تعداد سوالات آن، پایایی آن، چه در داخل (سجادیان و گل پرور، 2009) و چه در خارج (دالبرت و همکاران، 2001) در حد 0/5 تا 0/7 گزارش شده است.

یافته‌ها

در جدول 1، مولفه‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه و همبستگی آنها ارایه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود، بین حساسیت بین فردی، خصومت، پارانوئیا و روان‌پریشی روابط مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0/01$).

جدول 2: میانگین، انحراف معیار و همبستگی درونی بین متغیرهای پژوهش

ردیف متغیرهای پژوهش	انحراف حساسیت		میانگین		روان پریشی
	خصوصیت	پارانویا	معیار	بین فردی	
1 حساسیت بین فردی	-		5/64	7/14	
2 خصوصیت	-		0/53**	4/14	4/67
3 پارانویا	-		0/52**	0/64**	4/78 8/09
4 روان پریشی	-		0/66**	0/52**	0/74** 5/05 6/17
5 باور به دنیای ناعادلانه	0/12*	-0/03	-0/02	2/71	13/68

* P<0/05

** P<0/01

در جدول 2، نتیجه‌ی حاصل از مدل‌سازی معادله ساختاری دیده می‌شود. لازم به ذکر است که مدل نهایی حاصل از مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری (شکل 2 را نگاه کنید) نسبت به مدل پیشنهادی (شکل 1) یک تفاوت را پذیرفته است. این تفاوت، بدین شرح است که برای افزایش سطح شاخصهای برازش¹ مدل نهایی، یک مسیر از حساسیت بین فردی به روان پریشی با ضریب بتای استاندارد 0/65 افزوده شده است. افزایش این مسیر بر پایه‌ی شاخصهای اصلاح² و پیشینه‌ی پژوهش (فرهام، 2003؛ میرز و همکاران، 2006) صورت گرفته است.

جدول 2: نتایج حاصل از مدل‌سازی ساختاری در بررسی مدل نظری پژوهش

AIC	RMSEA	PCFI	CFI	NFI	χ^2 df	χ^2	R ²	β	SE	B	مسیرهای مدل نهایی	
						0/284	0/53	0/074	0/726**		خصوصیت ← حساسیت بین فردی	
								0/17	0/06	0/216**	خصوصیت ← روان پریشی	
					5/65		0/65	0/044	0/583**		حساسیت بین فردی ← روان پریشی	
39/65	0/06	0/199	0/99	0/98	1/88	P>0/05	0/28	0/059	0/241**		حساسیت بین فردی ← پارانویا	
							(3)	0/5	0/35	0/065	0/332**	روان پریشی ← پارانویا
								0/18	0/063	0/212**	خصوصیت ← پارانویا	
								0/015	0/12	0/036	0/07**	پارانویا ← باور به دنیای ناعادلانه

* P<0/05

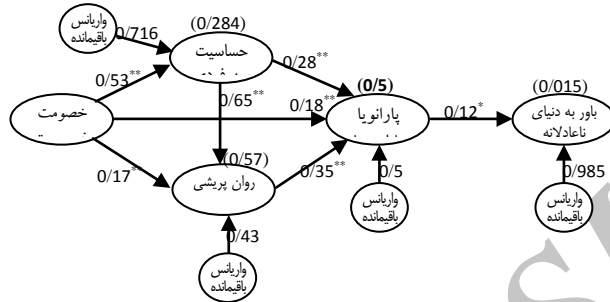
** P<0/01

همانطور که در جدول 2 و شکل 2 مشاهده می‌شود، خصوصیت به تنهایی 28/4 درصد از واریانس حساسیت بین فردی را تبیین نموده است. خصوصیت و حساسیت بین فردی، 57 درصد از واریانس

1 - Fitness indices

2. Modification indices

روان پریشی و سپس حساسیت بین فردی، روان پریشی و خصومت 50 درصد از واریانس پارانوئیا و بالاخره پارانوئیا 1/5 درصد از واریانس باور به دنیای ناعادلانه را تبیین نموده است.



شکل 2: مدل نهایی و تایید شده از رابطه‌ی بین متغیرهای پژوهش

نتیجه‌ی تجزیه‌ی اثرات مستقیم و غیرمستقیم در جدول 3 نشان داده شده است. براساس این جدول اثرات غیرمستقیم خصومت، حساسیت بین فردی و در آخر روان پریشی بر باور به دنیای ناعادلانه از طریق پارانوئیا قابل توجه است.

جدول 3: اثر مستقیم و غیرمستقیم مطرح در مدل نهایی پژوهش (در حالت استاندارد)

متغیرها	حساسیت بین فردی			روان پریشی			پارانویا			باور به دنیای ناعادلانه		
	1	2		1	2	3	1	2	3	1	2	3
خصومت	0/53	-		0/53	0/18	0/34	0/52	0/18	0/34	0/52	0/34	0/18
حساسیت بین فردی	0	0	0	0	0/65	0	0/65	0	0/65	0	0/51	0/23
روان پریشی	0	0	0	0	0	0	0	0/35	0	0/35	0	0/35
پارانویا	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0/12

اثر غیرمستقیم=2 اثر مستقیم=1 اثر کل=3

شواهد حاصل از این تحلیل نشان داد که حساسیت بین فردی و روان پریشی متغیر واسطه‌ای پاره‌ای¹ در رابطه‌ی خصومت با پارانوئیاست. نکته جالب توجه اینکه تحلیل رگرسیون واسطه‌ای حاکی از آن بود که هیچیک از دو متغیر حساسیت بین فردی و روان پریشی به تنهایی قادر به پیش‌بینی باور به دنیای ناعادلانه نیستند اما در حضور پارانوئیا، توان پیش‌بین آنها تا ده برابر افزایش می‌یابد. این شواهد، حاکی از آن است که پارانوئیا برای رابطه‌ی بین خصومت، حساسیت بین

1. Partial mediator variable

2. Facilitation mediator variable

3. Normative Fit Index

4. Comparative Fit Index

5. Root Mean Square Error of Approximation

6. Parsimony Comparative Fit Index

فردی و روان‌پریشی با باور به دنیای ناعادلانه نقش متغیر واسطه‌ای تسهیل‌گر² را ایفا می‌کند. شواهد ارایه شده در باب شاخصهای برازش مدل نهایی (ستون هفتم به بعد جدول 3) حاکی از شرایط مناسب مدل نهایی از نظر این شاخصهاست و از نظر شواهد موجود، خی دو غیر معنادار، نسبت خی دو به درجه‌ی آزادی کمتر از 2، شاخص برازش هنجاری³ (NFI) و شاخص برازش تطبیقی⁴ (CFI) مساوی یا بزرگتر از 0/95، ریشه‌ی خطای میانگین مجذور خطا⁵ (RMSEA) مساوی یا کوچکتر از 0/06 یا 0/08 و شاخص برازش تطبیقی مقصد⁶ (PCFI) بالاتر از 0/5 می‌تواند حاکی از شرایط مناسب مدل نهایی باشد (میرز و همکاران، 2006؛ شو ماخر و لومکس، 2009). به هر حال، همانطور که در جدول 3 نشان داده شده است، مدل نهایی از لحاظ نسبت خی دو به درجه‌ی آزادی، غیر معناداری خی دو، NFI، CFI و RMSEA در شرایط مناسبی قرار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

باور به دنیای ناعادلانه، از زمره متغیرهای مطرح برای رفتار و عمل در محیط‌های بالینی و غیربالینی محسوب می‌شود (فرنهام، 2003؛ گل پرور و همکاران، 2009). در این پژوهش، مدلی نوین از رابطه‌ی بین خصومت، حساسیت بین فردی، روان‌پریشی و پارانوئیا با باور به دنیای ناعادلانه مورد بررسی قرار گرفت. در پژوهشها و نظریه‌های مطرح شده در باب باور به دنیای ناعادلانه، این باورها با سوظن و بدگمانی، منفی‌نگری و عدم اعتماد به انسانها و دنیای اطراف همراه با خصومت و خشم مرتبط گزارش شده‌اند (کلمان، 1997؛ لیندزی و پاول، 1998). در عین حال در پژوهش‌های گذشته در باب ارتباطات بین خصومت با حساسیت بین فردی، روان‌پریشی و پارانوئیا ارتباطات نظری و پژوهشی قابل توجهی گزارش شده است (ساراسون و ساراسون، 1996؛ مارنات، 1996؛ کلمان، 1997؛ لیندزی و پاول، 1998). بر این اساس، می‌توان گفت که مدل نهایی این پژوهش که در آن ابتدا خصومت باعث تقویت حساسیت بین فردی، روان‌پریشی و پارانوئیا، سپس حساسیت بین فردی همزمان باعث تقویت روان‌پریشی و پارانوئیا، به دنبال آن روان‌پریشی باعث تقویت پارانوئیا و در آخر پارانوئیا باعث تقویت باور به دنیای ناعادلانه می‌شود، با پژوهشها و نظریات قبلی در حوزه‌ی روابط بین خصومت، روان‌پریشی، حساسیت بین فردی و پارانوئیا با یکدیگر و رابطه‌ی پارانوئیا با باور به دنیای ناعادلانه همسویی قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد (فرنهام، 1985 و

1995؛ فرهنگام و پروکتر، 1989؛ دالبرت و همکاران، 2001؛ ساراسون و ساراسون، 1996؛ مارنات، 1996؛ کلمان، 1997؛ لیندزی و پاول، 1998؛ لو، 2002). مدل نهایی پژوهش بر مبنای چند ساز و کار مطرح در روابط بین متغیرها بخوبی قابل توضیح و تبیین است.

ساز و کار اول، به نقش خصومت بر حساسیت بین فردی، روان پریشی و پارانویا بازمی گردد. این ساز و کار، بدین شکل عمل می کند که حالات شناختی و عاطفی ناشی از خصومت جویی، افراد را در روابط بین فردی شان حساس می سازد و سپس این حساسیت، همراه با خصومت جویی باعث انزوای روان پریشی همراه با حالات کناره جویانه می شود. سپس خصومت، حساسیت زیاد و انزوای روان پریشی و کناره گیری، بدلیل ناتوانی فرد در پردازش صحیح و منطقی اطلاعات دریافتی از دنیای اطراف، زمینه و بستر را برای تقویت افکار پارانوییدی مبتنی بر بزرگ منشی (دیگران چون قادر به درک من نیستند، نمی توانند با من ارتباط صحیح و منطقی برقرار کنند و یا اینکه من آنقدر فرد بزرگ و برتری هستم که دیگران به سادگی نمی توانند با من ارتباط مبتنی بر اعتماد داشته باشند) و سوطن و بدگمانی فراهم می سازند. در واقع، ساز و کار اول بر مبنای یک حلقه ی ارتباطی درون مدار مبتنی بر تخصص - حساسیت و روان پریشی - پارانویا عمل می کند و بدین وسیله بستر را برای فعال شدن ساز و کار دوم که باعث پیوند پارانویا با باور به دنیای ناعادلانه می شود، فراهم می سازد. ساز و کار دوم، مبتنی بر سوگیری اسنادی خصمانه و پیشگویی خود کامرواساز است.

زمانی که افکار پارانوییدی در افراد تقویت می شود، اسناددهی خصمانه، منفی و بدگمانی به وقایع، حوادث و انسانهای اطراف در فرد بالا می رود. این اسناددهی بیمارگون و خصمانه، هم باعث بازداری های عمده ی رفتاری در خود فرد و هم باعث تاثیرپذیری طرفهای تعامل با این افراد می شود. بازداری خود فرد و تاثیرپذیری متمایل به رنجش در افراد طرف تعامل، هر دو بدون تردید دستاوردهای روانی و اجتماعی موردانتظار را برای افراد در زندگی و به ویژه در دنیایی که در آن زندگی می کنند به همراه نمی آورند. پایان این روند، چیزی جز باور به دنیایی که در آن افراد بی گناه و شایسته مجازات می شوند، تلاش پاداش داده نمی شود و گناه و تقصیر از زیر بار مجازات می گریزند و هرگز بی عدالتی هایی که بر افراد روا داشته می شود، جبران نخواهد شد (فرنگام، 1985 و 1995؛ فرهنگام و پروکتر، 1989؛ دالبرت و همکاران، 2001) **نخواهد بود.**

این باورها همان هسته ی اصلی در باور به دنیای ناعادلانه است (گل پرور و همکاران، 2009). بنابراین شواهد بدست آمده در این پژوهش علاوه بر اینکه مدلی اولیه از نحوه ی تقویت باور به

دنیای ناعادلانه از طریق پارانوئیا، حساسیت بین فردی، روان‌پریشی و خصومت بدست داد، بسترهای نظری و پژوهشی چندی را نیز پیش رو قرار داد. در درجه‌ی نخست یکی از بسترهای نظری، طرح جدی زیربناهای باور به دنیای ناعادلانه بر مبنای چهار متغیر یاد شده بود. بستر نظری بعدی، این ایده بود که (بخش یافته‌ها) پارانوئیا، یک متغیر واسطه‌ای تسهیل‌گر و تقویت‌کننده برای حساسیت بین فردی و روان‌پریشی در رابطه با باور به دنیای ناعادلانه است. از لحاظ نظری، یک متغیر واسطه‌ای متغیری است که اثرات یک متغیر مستقل را به خود جذب می‌کند و سپس این اثرات را به متغیر پیامد یا وابسته منتقل می‌کند، همچنین از لحاظ آماری به سادگی می‌توان نشان داد که در حضور متغیر واسطه‌ای، رابطه‌ی متغیر مستقل با متغیر وابسته تضعیف یا غیرمعنادار می‌شود (بارون و کنی، 1986).

علیرغم اینکه به لحاظ پژوهشی می‌توان تا اجرا و بررسی این پدیده در پژوهشهای دیگر کمی تبیین را به تعویق انداخت ولی حداقل از نظر اولیه می‌توان گفت که پارانوئیا یک متغیر واسطه‌ای است که بدلیل ارتباطات درونی که با متغیرهایی نظیر حساسیت بین فردی، روان‌پریشی و پارانوئیا دارد، در حضور همزمان با متغیرهای یاد شده، می‌تواند بجای تضعیف یا غیرمعنادار کردن پیوند میان متغیرهای سه‌گانه مورد اشاره با باور به دنیای ناعادلانه، بطور جدی این پیوند را تقویت کند. زیرا پارانوئیا و افکار پارانوئیدی متغیر تقویت‌کننده و زمینه‌ساز در فضای عاطفی و شناختی و حتی رفتاری افراد محسوب می‌شود (ساراسون و ساراسون، 1996؛ مارنات، 1996؛ کلمان، 1997؛ لیندزی و پاول، 1998).

به هر حال پیشنهادات پژوهشی برگرفته از یافته‌های این پژوهش برای پژوهش‌های آتی، تمرکز هر چه دقیق‌تر بر نقش سوگیری اسنادی خصمانه همراه با پیشگویی خودکامرواساز و منفی‌نگری حالت و صفت در شکل‌گیری و تقویت باور به دنیای ناعادلانه در جمعیت‌های بالینی و غیربالینی است. همچنین، مقایسه‌ی سطح باور به دنیای ناعادلانه‌ی جمعیت‌های بالینی در حوزه‌هایی نظیر اضطراب، افسردگی، اسکیزوفرنی و اختلالات شخصیت، می‌تواند محور پژوهشی آگاهی‌بخش و مفیدی باشد. پیشنهاد کاربردی نیز بر مبنای مدل حاصل از پژوهش، تمرکز بر شیوه‌های درمانی رفتاری - شناختی برای کاهش خصومت به عنوان متغیر مستقل اصلی مدل و سپس درمانهای کمکی دیگر برای تضعیف حساسیت بین فردی، روان‌پریشی و پارانوئیاست. این روند درمانی،

بدون تردید از فعال ماندن چرخه های معیوب پارانویا- باور به دنیای ناعادلانه که وضعیت روانی- اجتماعی افراد را به وخامت هر چه شدیدتر خواهد رساند، می کاهد.

References

- Baron, R.M., & Kenny, D.A. (1986). The moderator-mediator variable distinction in social psychology research: conceptual, strategic, and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, (51), 1173-1182.
- Callan, M. J., Will Shead, N., & Olson, J.M. (2009). Foregoing the labor for the fruits: The effect of just world threat on the desire for immediate monetary rewards. *Journal of Experimental Social Psychology*, (45), 246-249.
- Christopher, A.N., Zabel, K.L., Jones, J.R., & Marek, P. (2008). Protestant ethic ideology: Its multiright-wing authoritarianism. *Personality and Individual Differences*, (45), 473-477.
- Coleman, J.C. (1997). *Abnormal psychology and modern life*. Translated to Persian: Hashemian, K. 1th edition, Tehran: Al-Zahra University Press. (Persian).
- Dalbert, C., Lipkus, I.M., Sallay, H., & Goch, I. (2001). A just and an unjust world: structure and validity of different world beliefs. *Personality and Individual Differences*, (30), 561-577.
- Furnham, A. (1985). Just world beliefs in an unjust society: a cross cultural comparison. *European Journal of Social Psychology*, (15), 363-366.
- Furnham, A. (1995). The just world, charitable giving and attitudes to disability. *Personality and Individual Differences*, 19(4), 577-583.
- Furnham, A. (2003). Belief in a just world: Research progress over the past decade. *Personality and Individual Differences*, (34), 795-817.
- Furnham, A., & Procter, E. (1989). Belief in a just world: review and critique of the individual difference literature. *British Journal of Social Psychology*, (28), 11-20.
- Gelder, M., Gath, D., Mayou, R., & Cowen, P. (1997). *Oxford textbook of psychiatry*. Translated to Persian: Porafkari, N. 1th edition, Tabriz: Tabriz Medical Science University. (Persian).
- Golparvar, M., Khaksar, S., & Khayatan, F. (2009). The relationship between belief in a just world and an unjust world and aggression. *Journal of Iranian Psychologists*, 5(18), 127-136. (Persian).
- Golparvar, M., & Javadian, Z. (2011). *Thought & Behavior in Clinical Psychology*, 6 (21), 61-71. (Persian).
- Iatridis, T., & Fousiani, K. (2009). Effects of status and outcome on attributions and just-world beliefs: How the social distribution of success and failure may rationalized. *Journal of Experimental Social Psychology*. 2009; doi: 10.1061/j.jesp.2008.12.002.
- Lindsay, S.J.E., & Powell, G.E. (1998). *The handbook of clinical adult psychology*. Translated to Persian: Avadisyan, H., & Nikkho, M.R. 1th edition, Tehran: Chelcheleh Press. (Persian).
- Loo, R. (2002). Belief in a just world: support for independent just world and unjust world dimensions. *Personality and Individual Differences*, (33), 703-711.
- Marnat, G.G. (1996). *Handbook of psychological assessment. Vol-1*. Translated to Persian: Sharifi, H.P., & Nikkho, M.R. 1th edition, Tehran: Roshd Press. (Persian).
- McParland, J.M., & Knussen, C. (2008). Just world beliefs moderate the relationship of Pain intensity and disability with psychological distress in chronic pain support group members. *European Journal of Pain*. 2008; doi: 10.10161.j.ej Pain. 2008.11.016.
- Sajadian, I., & Golparvar, M. (2008). Simple and multiple relations between just and an unjust world beliefs with psychological state. *Contemporary Psychology*, 3(1), 33-42. (Persian).
- Sarason, I.G., & Sarason, B. (1996). *Abnormal psychology. Vol-1*. Translated to Persian: Najarian, B et al. 1th edition, Tehran: Roshd Press. (Persian).